

## واکاوی نقش و جایگاه شهروندان در برنامه ریزی و توسعه شهری در راستای تحقق بخشی شهرسازی مشارکتی

فرزاد فرهادیان بآبادی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت اجرایی، گرایش مدیریت راهبردی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

فرزاد فرهادیان بآبادی

### چکیده

نقش انکارناپذیر مردم در حل مسائل و مشکلات جامعه شهری، موضوع مشارکت شهروندان را به ضرورتی آشکار در برنامه ریزی و توسعه شهری تبدیل کرده است. مشارکت مردم که اکنون به عنوان یکی از ارکان اصلی فعالیت برنامه ریزی و مدیریت شهری شناخته می شود در سطوح و درجات مختلف، امکان پذیر است. در پایین ترین سطح، دخالت شهروندان در فرایند برنامه ریزی می تواند به اتخاذ تصمیمات پایدارتر، با اعتبار بیشتر و مبتنی بر نیازهای طیف وسیع تری از مردم منجر شود و در بالاترین سطح، مشارکت مردمی می تواند سبب گسترش و تقویت مردم سالاری از طریق شیوه های مشورتی، مستقیم و صریح گردد. امروزه مشارکت مردمی و نحوه جذب افراد به امور شهری در سرفصل بسیاری از بخش های برنامه ریزی و توسعه شهرها قرار گرفته است. تا چندی پیش تهیه طرح های جامع و تفصیلی یکی از متداول ترین راه های تعیین نحوه توسعه کالبدی شهرها بوده است. این طرح ها توسط برنامه ریزان و بدون در نظر گرفتن افراد ساکن و اشخاصی که تحت تاثیر این برنامه ها قرار می گیرند تهیه می شود و به همین دلیل با موانع اجرایی بسیاری از جمله عدم همکاری افراد مواجهه می گردند. این در حالیست که امور شهری به خصوص برنامه ریزی و توسعه شهرها در بسیاری از کشورهای توسعه یافته با مردم و یا گاهاً توسط شهروندان و ذی نفعان تدوین می شود. لذا این مسئله بستری لازم را برای نگارش پژوهش حاضر فراهم کرده است. از اینرو پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی امکان سنجی رویکرد مشارکتی در توسعه شهرها و همچنین، شناخت جایگاه رویکرد مشارکتی در شهرهای امروزی و راهکارها و پیشنهادهایی به منظور ارتقاء مشارکت و همچنین شناخت موانع و مشکلات مشارکت در شهرها به منظور بالا بردن کیفیت زندگی و رضایتمندی اجتماعی شکل گرفته است که غالب مطالعات آن از نوع اسنادی (کتابخانه ای) استوار بوده است. با استناد به نتایج این پژوهش می توان این گونه برآورد نمود که، هر اندازه شناخت افراد از ابعاد مشارکت بیشتر باشد گرایش به مشارکت آنها نیز بیشتر خواهد بود و هر اندازه فرد احساس تعلق بیشتری به محل سکونت خود داشته باشد، گرایش وی به مشارکت افزایش خواهد یافت. مدیران و برنامه ریزان شهری باید بدانند که اگر در جامعه همبستگی و اتفاق و اتحاد به وجود آید و بدنه جامعه از راس هرم مدیریتی جدا نشود تنها از این طریق ممکن، مشارکت شهروندان و احترام به نظرات و ایده های آنان است و این مهم را از هر طریقی که میسر باشد باید انجام داد.

**واژگان کلیدی:** برنامه ریزی شهری، شهرسازی مشارکتی، شهرسازی اجتماعی، رویکرد مشارکتی.

## مقدمه

افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده ای فراگیر در یک سال اخیر در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، مدیریت شهری را با چالش های جدیدی روبه رو ساخته است. بسیاری از دست اندرکاران امور شهری ضرورت نگرش نوین و انداختن طرحی جدید در زمینه مدیریت شهری را احساس می کنند. در کشورهای پیشرفته، دولت ها در راستای کاهش تصدی گری دولت و کوچک کردن آن به مباحثی همچون عدم تمرکز، برنامه ریزی مشارکتی، شهرسازی مشارکتی، حکومت های محلی و تمرکز زدائی، می اندیشد [1]. مشارک عمومی و نقش آن در توانمند سازی و افزایش بهره وری و کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه در فعالیت های اجتماعی شهری بسیار مورد توجه اندیشمندان عصر حاضر است. بررسی و ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان در انواع شهر (شهر های کوچک، متوسط و میانه و کلان شهرها) نیز امری مهم و ضروری است. رشد سریع شهرنشینی همگام با تغییرات اساسی در سبک و شیوه ی زندگی شهری متاثر از نظام سرمایه داری و ورود اتومبیل و دیگر تکنولوژی های جدید باعث بروز و ظهور مشکلات متعدد شهرنشینی و شهرسازی در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و به ویژه کالبدی شهرها شده است [1]. روند رو به رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی از یک سو و ناکارآمد بودن روش های مدیریت و کنترل توسعه شهری از سوی دیگر شهرهای نابسامان و ناپایداری را خلق نموده است که از اصلی ترین علت ایجاد چنین نابسامانی و ناپایداری چالش های مدیریتی است در این میان نبود مدیریت یکپارچه شهری و بخصوص شکل نگرفتن مدیریت مشارکت عمومی که مبتنی بر کنش متقابل و فعالانه تمامی ذینفعان و بازیگران کلیدی دخیل در مدیریت توسعه شهری است. قرن بیستم با توجه به افزایش جمعیت شهری، تغییر شیوه زندگی، فاصله بین ذینفعان مدیران و برنامه ریزان شهری، توسعه پایدار را به عنوان یکی از مهم ترین پارادایم های مدیریت شهری در سطوح مختلف مطرح کرده است [2]. هدف از این توسعه، پاسخگویی به نیازهای سطوح مختلف مدیریتی در همان سطح و یکپارچگی مکانی و برنامه ریزی است. از ابعاد اصلی توسعه پایدار شهری مدیریت یکپارچه شهری، حکمروایی خوب شهری و مشارکت است. در گذشته آنچه بر نظام مدیریت شهری ایران حاکم بوده برنامه ریزی متمرکز و از بالا به پایین بود که نمی توانست مشکلات شهری را بر طرف کند و نیازها و خواست های ساکنین را برآورده نماید. به همین دلیل در چند دهه اخیر برنامه ریزی و مدیریت با مشارکت شهروندان در نظام مدیریت شهری مطرح شده است. علی رغم پیشینه طولانی شهرنشینی و وجود الگوهای سنتی در ایران پیروی از الگوی متمرکز برنامه ریزی و مدیریتی امکان دخالت و مشارکت شهروندان رادر اداره امور شهرها نداده است. در چنین شرایطی نظام مدیریت شهری به منظور کاستن از مسائل و مشکلات رو به فزونی شهرنشینی در جستجوی راه های تسهیل و بهبود اداره امور شهرها است. این مهم هنگامی تحقق می یابد که ساکنان شهر را در اداره امور شهرها دخالت داد [3]. براساس بررسی های انجام شده در منطقه بویژه مقایسه تطبیقی طرح ها و برنامه ها باید گفت، معضلات مدیریت شهری در منطقه و ریشه های آن از دیدگاه استراتژیک در قالب زیر مساله هایی چون برنامه ریزی بدون توجه به اجرا و عدم مشارکت شهروندان در طرح ها است. بنابراین مطالعه و شناخت راه های جلب مشارکت شهروندان در طرح ها و اداره امور شهری و ارایه راهکارهای مناسب برای ارتقاء مشارکت شهروندان در سیستم مدیریت شهری در منطقه ضروری است و هدف اصلی تحلیل تاثیرات و اثرات متقابلی است که بین مشارکت شهروندی و مولفه های کیفیت زندگی شهری در راستای نیل به توسعه پایدار شهری وجود دارد [4].

## بیان مسأله

کمیسسیون اسکفینگتن در سال ۱۹۶۹، برنامه ریزی را حوزه ای تعریف می کند که نیازمند مشارکت است. زیرا: مردم باید انتخاب کنند که چه جامعه ای می خواهند و چگونه می خواهند آن را توسعه دهند. این در حالی است که در حال حاضر در کشور ما در حوزه برنامه ریزی و توسعه شهری، خواست های مردم غایب است و برنامه ریزان و طراحان در بسیاری از مواقع بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات مردم برای آن ها تصمیم گیری می کنند که در نتیجه آن طرح های شهری از کاربرد مناسب خود دور می شوند و از حمایت مردمی در پیشبرد و اجرا محروم می شوند [3]. لازمه تحقق طرح های شهری مشارکت و دخیل کردن مردم در روند تهیه طرح ها، و مهمترین عامل برای موفقیت در فرایند مشارکتی، تعیین شیوه هایی است که نحوه رابطه و کار با مردم و سطح مشارکت آنان را مشخص سازد. در پایین ترین سطح، دخالت شهروندان در فرایند برنامه ریزی می تواند به اتخاذ تصمیمات پایدارتر، با اعتبار بیشتر و مبتنی بر نیازهای طیف وسیع تری از مردم منجر شود و در بالاترین سطح، مشارکت مردمی می تواند سبب گسترش و تقویت مردم سالاری از طریق شیوه های مشورتی، مستقیم و صریح گردد. نتیجه چنین نگرشی توسعه اعتماد عمومی در سطح جامعه است [5]. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که نادیده انگاشتن آن غالباً منجر به سردرگمی، بی توجهی و خشونت شهروندان و شکسته شدن و ویرانی هنجارهای جامعه خواهد شد. اعتماد عمومی تنها نتیجه مهم مشارکت مردمی نیست. این دیدگاه همچنین منجر به قانون گرایی، آگاهی جامعه، تصمیم سازی صحیح و الگوی اصلاح شده ی قدرت سیاسی می شود. در حال حاضر نگرانی اصلی برنامه ریزان شهری این است که با چه روش ها و شیوه هایی می توان برنامه ها و طرح های مشارکتی را با موفقیت به انجام

رسانید. تبدیل دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکتی در شهرسازی به روش‌ها و تکنیک‌های عملی، اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تا زمانی که این نظریه‌ها عملیاتی نشده‌اند امکان تحقق آنها وجود ندارد [6]. علاوه بر آن، با توجه به ملاحظات نهادی و قانونی مختلف در کشورهای گوناگون چگونگی استفاده از این روش‌ها نیز باید متناسب با ملاحظات فوق مورد توجه قرار گیرد. از آن جایی که تاکنون در این زمینه، شیوه‌های عملی که بتواند بحث را از نظریه و آرمان‌ها و تخیلات به واقعیت نزدیک کند و زمینه تحقق و اجرای آن را در کشور فراهم آورد، ارائه نشده است، پرداختن به ابعاد گوناگون مشارکت مردمی و سعی در کاربردی نمودن آن امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین اهداف اصلی پژوهش حاضر، معرفی تکنیک‌های رایج مشارکتی در شناخت و تحلیل مسائل شهری و همچنین عملیاتی کردن یک یا چند تکنیک و بومی‌سازی آن‌ها با توجه به شرایط شهرهای امروزی است [4].

### اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه ضرورت مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری برکسی پوشیده نیست. تجربه‌ی کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه شهری نشان می‌دهد که اجرای طرح‌ها در بسیاری موارد از توان دولت خارج است. موفقیت طرح‌ها در گرو مشارکت مردم و نهادهای محلی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی باعث می‌شود که طرح‌ها در مرحله اول تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی با موفقیت همگام باشند و در نهایت بتوانند با تکیه بر داده‌های موثق نیازها و پستوانه مردم، موفقیت خود را تضمین کنند. پس از تجارب بسیار در سطح ملی، محلی، بین‌المللی، پارادایم جدید توسعه به چهار نتیجه اصلی رسیده است: نخست اینکه دولت‌ها به تنهایی قادر نیستند با چالش‌های توسعه پایدار مقابله کنند [7]. دوم اینکه مشارکت عموم مردم در تمام مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی ضرورت مبرم دارد. سوم اینکه دست‌اندرکاران اصلی، یعنی دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی باید برای نیل به مقصود، همکاری صمیمی و نزدیکی داشته باشند. چهارم آنکه بهره‌مند شدن از دانش و مهارت و تخصص برای دستیابی به توسعه مطلوب ضروری است. مردم، منابع و مشارکت سه رکن اساسی توسعه انسانی پایدار را تشکیل می‌دهند، با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعالیت مطلوب درمی‌آیند. مشارکت عنصری کلیدی در فرآیند توسعه پایدار تلقی می‌شود و از آن به عنوان حلقه گم شده فرآیند توسعه یاد می‌شود. تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی می‌گردد [8]. مشارکت مردمی که نوعی تمرکزگرایی در اداره امور شهر می‌باشد، باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می‌گردد. عدم مشارکت مردم باعث توجیه نشدن آنان نسبت به اهداف طرح و محتوای آن و تهیه طرح بر اساس زمینه فکری مشاور و کارفرما و تهیه طرح بدون توجه به نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌های مردم می‌شود. که این مورد باعث مشارکت کمتر مردم در فرآیند اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها می‌شود. به خصوص اگر این نکته را مد نظر قرار دهیم که قسمت عمده‌ای از هزینه‌های اجرایی طرح به طور مستقیم و غیر مستقیم توسط مردم پرداخت می‌شود، موضوع مشارکت مردم در اجرا ملموس‌تر می‌شود [8]. مشارکت عمومی یک مؤلفه بنیادین در امر برنامه‌ریزی خوب است. یک طرح جامع و فراگیر طرحی است که با مردم انجام شده باشد، به طور خلاصه باید گفت مشارکت گسترده و استفاده مناسب از مشاوره عموم مردم است که به میزان قابل توجهی موجب واقع‌گرایی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی طرح‌ها و اتکا طرح بر داده‌های موثق و دقیق می‌شود و تضمین کننده موفقیت طرح‌ها می‌گردد. تجربه کشورهای مختلف جهان در اجرای طرح‌های توسعه شهری نیز این نتیجه را به دست می‌دهد که اجرای طرح‌های توسعه شهری بایستی خارج از قدرت دولت‌ها قرار گیرد و سرانجام اینکه موفقیت طرح‌ها در گرو مشارکت گسترده مردم، نهادهای محلی، شهرداری‌ها و دولت مرکزی است [9]. در دنیای امروز، برنامه‌ریزی شهری اصولاً یک فرآیند مشارکتی محسوب می‌شود که به موجب آن هرگونه تصمیم‌گیری و اقدام درباره توسعه و عمران شهر مستلزم همکاری و همفکری همه نیروهایی است که در آن سهم و ذینفع هستند یعنی دولت، بخش عمومی (شهرداری و شوراها)، بخش خصوصی، نهادهای حرفه‌ای و تشکل‌های مردمی. با توجه به این ملاحظات موضوع مشارکت در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، موضوعی وسیع‌تر و پیچیده‌تر از مشارکت مالی و اجرایی است و نوعی کوشش برای رسیدن به شناخت درست از نیازهای واقعی و اهداف مشترک و دستیابی به وفاق و همکاری همگانی در مسیر توسعه و عمران محیط زندگی جمعی محسوب می‌شود [10].

### پیشینه ادبیات تحقیق

به منظور بررسی سوابق این پژوهش در خارج از کشور، جستجو در سایت سازمان‌های تحقیقاتی معتبر شهرسازی صورت گرفته است. به عنوان مثال انجمن برنامه‌ریزی امریکا، برنامه‌ریزی مشارکتی محلی را یکی از مهم‌ترین سیاست‌های موسسه تحقیقاتی خود معرفی و توسعه جامعه محلی و مشارکت شهروندی رادو محور اصلی کنفرانس‌های انجمن تعریف کرده است. و یا سه محور زیر از اولویت‌های اصلی تحقیقاتدر

بانک توسعه آسیایی است مشارکت محلی: سازوکارهای تجربه برتر برای افزایش مشارکت محلی و ارتباط آن با پایداری توسعه اداره و مشارکت امور شهری (حکمرمایی شهری): سازوکارهای تضمینی، شفافیت بیشتر، مسؤولیت پذیری، قابلیت پیش بینی و مشارکت مدنی در حکومت محلی و تصمیم سازی تمرکززدایی: ارزیابی فرایندها و اثرات سیاست های تمرکززدایی بر توسعه شهری، کیفیت زندگی و سطح مشارکت عمومی با توجه به رویکرد جهان به سوی شهرسازی مشارکتی افراد زیادی به مطالعه در این زمینه پرداخته اند و کتب و مقالات بسیاری در این زمینه به چاپ رسیده است. از این میان می توان به دیویدوف، سانوف، پریسکولی، آرنشتاین گانس، کریتون، و ... اشاره کرد. موضوع مشارکت شهروندان در برنامه ریزی توسعه شهری در کشورهای توسعه یافته تنها به نظریات محدود نمی شود بلکه در عمل بکارگیری شیوه های مشارکتی از اصول مهم در تهیه طرحها به حساب می آید. در این زمینه در کشور ما مطالعات چندانی انجام شده است. یکی از مطالعاتی که در کشور صورت گرفته است، مطالعه ای تحت عنوان «الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها» است که با حمایت سازمان شهرداری های کشور صورت گرفته است. در این مطالعه مباحثی در رابطه با زمینه سنجی در الگوهای مشارکت، آگاهی ها، گرایش ها و رفتارها در زمینه مشارکت و راهبردها و خط مشی هایی برای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها آمده است. چندین پایان نامه نیز به موضوع مشارکت پرداخته اند که از جمله می توان به دو نمونه ذیل اشاره کرد، «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردمی در شهر ایرانی: واقعیات، اهداف و استراتژی ها» و «عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران». در مورد اول مشارکت، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردمی در شهر ایرانی (با تأکید بیشتر بر روی شهر تهران) بررسی و در انتها اهداف و استراتژی های مطلوبی جهت نمادینه کردن مشارکت پیشنهاد شده است. علیرضا علوی تبار در کتاب خود با ریشه یابی مفهوم مشارکت و تعریف آن به عنوان کنشی اجتماعی، که در آن مشارکت افراد در امور اجتماعی را تابعی از مجموعه عوامل درونی (انگیزه های درونی)، بیرونی (هنجارهای جامعه)، ویژگی های فردی، امکانات و شرایط لازم و وضعیت نهادی و قانونی جامعه می داند، به تحلیل موضوع پرداخته است. هادی سعیدی رضوانی به راهنمایی دکتر سید محسن حبیبی، موضوع شهرسازی مشارکتی و عملیاتی کردن آن در شرایط ایران را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش وی پس از بررسی و نقد نظریه های جهانی مشارکت و جمع بندی آن به انگاره ای تلفیقی جهت ارزیابی و تبیین شرایط ایران دست یافته که در این انگاره، مفهوم مشارکت در قالب دسته بندی سه گانه ای با عناوین مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی ارائه شده و نهایتاً اینطور نتیجه گرفتند که شهرسازی ایران در مواردی که داعیه مشارکتی بودن دارد کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری است و هنوز با اولین مراحل مشارکت واقعی فاصله زیادی دارد. گیوی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهر بندر عباس)» به این نتیجه رسیده اند که بین احساس تعلق اجتماعی، رضایت شهروندان، اعتماد نهادی، رسانه های ارتباط جمعی و جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد. حقیقتیان و حیدرخانی (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان «بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به توسعه شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)» به این نتیجه دست یافتند که بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دوغایی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «راهکارهای انگیزشی مشارکت مردم در توسعه پایدار محله ای» که با استفاده از نظریات سلسله مراتب نیازهای آبراهام مازلو انجام داده است، ثابت می کند که مهم ترین عامل انگیزشی برای مشارکت شهروندان در ابتدا مهیا بودن نیازهای اولیه زندگی و رضایت ایشان از رفاه در محله خود می باشد. بردی آنامرادنژاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان «نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل)» این نتیجه رسیده اند که مشارکت ضعیف شهروندان آمل در توسعه پایدار شهری، وجود تفاوت معنادار میان سابقه سکونت شهروندان و تمایل به مشارکت در این شهر و نیز تفاوت میان تمایل به مشارکت مردم از نظر وضعیت شغلی و تحصیلی شان می باشد. شرفی و برک پور در کتاب تکنیک های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها هم چون پیوستی است که در یک سوی آن معنا و مضمون مشارکت، محدود به آگاهی مردم از اتفاقاتی است که در شهر می گذرد و در سوی دیگر آن، معنای واقعی مشارکت مردم در مداخله آنان در تصمیم گیری ها در سهمین شدن در قدرت تلقی می شود. از این رو در یکی از معروفترین استعاره ها، مشارکت مردم به نردبانی تعبیر شده است که هر پله از آن معرف سطحی از مشارکت است و هر چه از پله های این نردبان بالا می رویم بر میزان و سطح مشارکت مردم افزوده می شود (شرفی و برک پور، ۱۳۹۰). در پژوهشی که شهرداری تهران با عنوان سنجش حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی در محله های شهر تهران انجام داده است محله زینبیه از منطقه سیزدهم با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه با استفاده از فن نمونه گیری تصادفی به بررسی حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که بین تعلق محله ای و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد به گونه ای که بین مشارکت اجتماعی ساکنین در محله زینبیه با تعلق خاطر آنان به این محله رابطه معنی دار قابل مشاهده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲). در پژوهشی که از پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری در دانشگاه هنر اصفهان بنام "فرآیند طراحی شهری مشارکت گرا در بافت های فرسوده عاشق آباد اصفهان منتشر شده است نشان می دهند که انجام پروژه های طراحی شهری مشارکت گرا در بافت ها فرسوده نیازمند شناسایی روش های مشارکتی و تبیین اصولی تحت عنوان "فرآیند تهیه اسناد طراحی شهری مشارکت گرا" است که مد نظر قرار دادن آن

می تواند چارچوب مداخله و مشارکت مردم را در طراحی شهری مشخص سازد. از دیگر سو، بررسی های انجام شده نشان می دهد که روش های بی شماری جهت مشارکت دادن مردم در مراحل مختلف فرآیند طراحی وجود دارد. ولی درگزینش روش مناسب باید توجه نمود که هیچ روش برتری وجود ندارد و بهترین روش، روشی است که با اهداف، ارزش ها و قابلیت های بومی محل و شرایط اجتماعی آن مطابقت نماید (ناظمی، ۱۳۸۹).

### سوال ها و فرضیه

شهروندان تا چه اندازه تمایل به مشارکت برنامه ریزی و توسعه شهری دارند؟  
چه راهکارهایی برای جذب مشارکت مردم در برنامه ریزی و توسعه شهری وجود دارد؟  
بین میزان مشارکت مردم در روند برنامه ریزی با میزان امکانات و خدمات در شهرها ارتباط معناداری وجود دارد.  
بین میزان زمینه های اعتمادسازی در شهر با میزان مشارکت مردم در روند برنامه ریزی و توسعه شهری ارتباط معناداری وجود دارد.

### مفاهیم و مبانی نظری

#### مشارکت<sup>۱</sup>

واژه مشارکت در دایره المعارف دهخدا به مفهوم شراکت، انبازی، حصه داری و بهره برداری بوده و معادل آن در زبان انگلیسی (participation) در فرهنگ آکسفورد به معنای عمل شرکت در یک فعالیت یا رویداد آورده شده است. علیرضا علوی تبار در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها» واژه مشارکت را به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص بیان کرده و جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیر پذیری دانسته است. [11] مفهوم مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته از فعالیت های ارادی که از طریق آن اعضای یک جامعه، در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت اجتماعی نیاز به شرایطی دارد که در صورت فراهم شدن آن ها امکان شکل گیری و ادامه آن ها وجود دارد. کائوتری جهت ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت مردم حداقل چهار شرط عمده را لازم می داند: ۱- ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری) ۲- نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی) ۳- اطلاعات کافی و ۴- امکانات مادی و تخصصی لازم از این رهگذر مفهوم مشارکت در مقابل واژه موافقت (به معنی سازگاری و همسازی) قرار می گیرد [12]. لذا در ادبیات برنامه ریزی شهری مشارکت عمومی اینگونه تعریف شده است: مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادری شوند تا در تدوین سیاست ها و طرح هایی شرکت کنند که بر روی محیط زندگی آن ها موثر هستند. از اینرو به نظر می رسد که استفاده از آن در تمامی جوانب زندگی شهری، یکی از کلید های توسعه به شمار می رود و انعکاس این امر در حوزه مرمت شهری، اتکاء به همیاری مردم و استفاده از رویکرد مشارکتی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده خواهد بود. در یک طبقه بندی کلی، الگوهای مشارکت را می توان بر سه معیار متفاوت طبقه بندی نمود؛ الف) نوع مشارکت، ب) زمینه های مشارکت، ج) ساماندهی مشارکت [10].

#### ظرفیت مشارکت

منظور از ظرفیت مشارکت، سطح و میزان نقش شهروندان در هر یک از ابعاد تصمیم گیری مدیریتی، تأمین مالی طرح ها و تأمین نیروی انسانی است.

##### ۱- ظرفیت مشارکت در تصمیم گیری مدیریتی

ظرفیت مردم یک شهر برای مشارکت در امور درنخستین قدم بستگی به فرهنگ سیاسی مردمان شهرنشین دارد. منظور از فرهنگ سیاسی، الگوهای پذیرفته شده مشترکی است که جهت گیری بخش های عمده مردم را نسبت به موضوعات سیاسی مشخص می نماید. فرهنگ سیاسی، محیطی روانی فراهم می آورد که فعالیت های سیاسی در محدوده فرهنگ آن صورت گیرد. دومین عامل مؤثر بر ظرفیت مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت میزان فراهم بودن مقتضیات مدیریت مشارکتی است [13].

##### ۲- ظرفیت مشارکت در تأمین مالی طرح ها

شهرداری ها به عنوان متولیان اصلی ارایه خدمات شهری، برای تأمین هزینه های فعالیت های خود از چند منبع اصلی استفاده می کنند. امادر زمان حاضر درآمد حاصل از عوارض و مالیات، نقش اصلی را در تأمین درآمدهای شهرداری ها ایفا می کنند و سایر منابع دیگر کمتر به صورت

مطمئن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از دیدگاه اغلب تحلیل‌گران نقش مشارکت مردم در تأمین مالی هزینه‌ها و خدمات شهری بیشتر در زمینه‌ی پرداخت عوارض و مالیات متجلی می‌گردد [13].

### ۳- ظرفیت مشارکت در تأمین نیروی انسانی

مهم‌ترین عاملی که ظرفیت مشارکت در تأمین نیروی انسانی را مشخص می‌کند، اندازه و ترکیب جمعیت است. هر قدر جمعیت بین ۱۵ تا ۶۰ سال بیشتر باشد، بدیهی است که امکان تأمین نیروی انسانی داوطلب برای انجام امور بیشتر خواهد شد. به‌طور کلی عواملی که ظرفیت هر شهر را برای مشارکت تعیین می‌کند، به شرح زیر است:

۱- سطح سواد ۲- میزان اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر ۳- میزان باور به مؤثر بودن ۴- ارزش افزوده‌سرهانه در سال ۵- تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در نقاط شهری ۶- تعداد وسایل نقلیه‌ی شهری ۷- تعداد کارگاه‌های بازرگانی ۸- تعداد انواع معاملات ثبت شده در دفاتر اسناد و املاک ۹- ترکیب سنی جمعیت ۱۰- میزان اوقات فراغت [14].

میزان مشارکت مردم در یک شهر، از نگاهی دیگر به عوامل ذیل بستگی دارد: فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی حاکم بر جوامع و شهرهای مختلف به اعتبارهای مختلفی از یکدیگر متمایز می‌شوند، به طوری که در برخی از این فرهنگ‌ها بسته به نوع جهت‌گیری، زمینه‌های مؤثری را برای مشارکت ایجاد می‌کنند. عوامل روحی و روانی: از جمله عواملی که در میزان مشارکت مردم مؤثر است عوامل روحی و روانی می‌باشد، در واقع شخصی که قرار است در فرایندی مشارکت نماید، باید به این نتیجه برسد که مشارکت مثبت بوده و نتیجه‌ی مناسبی برای او در پی خواهد داشت و در واقع در فرد انگیزه‌های ایجاد نماید تا بتواند توقعات دیگران و جامعه را در مرحله‌ی اول و سپس توقعات خود را در مرحله‌ی بعدی برآورده سازد [15]. البته باید بدانیم که عوامل مختلفی از جمله سن، جنس، سطح سواد، وضعیت تأهل، شخصیت، طبقه اجتماعی، آموزش، هویت، وضعیت جسمانی و سایر مواردی اینچنین در شرایط روحی و روانی فرد مورد نظر، تأثیرگذار است. به طور خلاصه عواملی که از نظر روحی و روانی در مشارکت مردم مؤثر می‌باشد به شرح زیر است [16]:

۱- تقویت اعتقاد به مشارکت (هم توسط مردم و هم توسط مسئولین امور شهری) ۲- ایجاد انگیزه، علاقه و تشویق مردم ۳- احساس امنیت از ابراز نظر، عدم نگرانی از پی‌آمدهای آشنایی دیگران با افکار و اندیشه‌ها و باورهای فرد ۴- آشنایی با شرایط روحی و روانی و فرهنگ مردم ۵- شناخت سلیقه‌های مردم در شیوه‌های مختلف مشارکت ۶- شناخت انگیزه‌های فرد برای برآوردن توقعات دیگران و تقویت روحیه‌ی جمعی ۷- تصورات افراد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت ۸- تحلیل ارزیابی‌های مختلف افراد از پیامدهای مشارکت ۹- سابقه فرد در ۱۰- میزان اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر مشارکت [17]. اطلاعاتی در عمق مشارکت نهفته است و تقسیم عادلانه‌ی آن تا حدودی معادل با سهیم شدن در قدرت است. کارایی و اثربخشی مشارکت به سطح آموزشی و صلاحیت کسانی که در این گفتگو شرکت دارند و همچنین به حجم و کیفیت اطلاعات ارائه شده، و به‌زمانی که به بررسی هر موضوع خاص آن اختصاص می‌یابد بستگی دارد. مشارکت مستلزم تجدید مناسبات اجتماعی است. نهادینه شدن مشارکت، با شکل‌گیری طیف تشکلی‌ها و نهادهای جامعه متقارن است. تحقق امر مشارکت، مستلزم نهادینه کردن آن است. مشارکت زمانی کارآمد و پایدار می‌ماند که نهادینه شود [18].

## طیف برنامه ریزی مشارکتی

مطالعه‌ی مزبور، طیفی از برنامه‌ریزی مشارکتی ارائه می‌دهد که عناصر آن عبارتند از:

### تعهد<sup>۲</sup>:

ورود به فرایند مشورت و گفتگو با سایرین، توجه و گوش دادن فعال به نظرات، اطلاعات و دیدگاه‌های آنان، زمانی که به روشنی عدم قدرت میان طرفین وجود دارد. برخلاف میانجی‌گری و مذاکره، تعهد (جذب و متعهد کردن افراد به فرایند مشارکت) می‌تواند بدون اینکه اختلافی برای حل کردن وجود داشته باشد نیز انجام شود. تعهد وسیله‌ای برای شناسایی و روشن کردن اختلافات از طریق گوش دادن به منافع مختلف است. تعهد معمولاً، اما نه لزوماً توسط مراجعه برنامه ریز آغاز می‌شود. نسبت به تنوع نیازها، ضرورت توجه به تفاوت‌ها و این که در کجا، توافقات، حاصل می‌شود، احساس است [19].

### مذاکره:<sup>۳</sup>

فرایند رسیدن به توافق از طریق تبادل نظرات و اطلاعات، چانه زنی و مصالحه بین دو یا چند طرف است که دارای برخی منافع مشترک و برخی منافع هستند. مذاکره می‌تواند بخشی از فرایند میانجی‌گری نیز باشد، اما همچنین می‌تواند خارج از حیطه میانجی‌گری‌های

رسمی و بدون کمک افراد بی طرف صورت پذیرد. مذاکره معمولاً، بین طرف های ذی نفع یا بین برنامه ریزان و سایر طرف ها صورت می گیرد [19].

#### پیش میانجی گری: ۴

فرایندی است که طی آن مرجع برنامه ریز از طریق گوش دادن به سخن همه بهره وران، کمک به تشخیص تضاد های بالقوه به منظور حل اختلاف و رسیدن به توافق برای تدوین یک برنامه، به عنوان میانجی عمل می کند. پیش میانجی گری در مواقعی که تعارضات بالقوه وجود دارد، به کار می رود. نمایندگان مراجع برنامه ریز به عنوان میانجی گران بی طرف بین دو یا چند طرف برنامه ریزی عمل می نمایند [19].

#### میانجی گری:

فزاینده حل اختلاف به صورت داوطلبانه، غیر اجباری، بدون تعصب، توسط افراد بی طرف است که به طرفین یاری می رسانند تا در جریان مذاکره به توافق برسند. میانجی گری در مواردی که تعارضاتی وجود دارد که برنامه ریزان با هیچ یک از طرف ها به تنهایی قادر به حل آن نیستند، به کار می آید و توسط طرف سوم انجام می گیرد. موارد فوق به عنوان مرحله در نظر گرفته نمی شود. ممکن است یک ترتیب خطی تعهد به میانجی گری وجود داشته باشد، اما این ترتیب الزامی نیست [19].

### بررسی سیر تحول نظریه های برنامه ریزی

یکی از گونه شناسی های رایج و قابل قبول برای درک نظریه های برنامه ریزی، دسته بندی است که در جدول زیر به شکل خلاصه نشان داده شده است.

جدول شماره (۱): طبقه بندی انواع نظریه های شهرسازی [20].

نظریه	نظریه رویه ای-نظریه برنامه ریزی	نظریه محتوایی-نظریه در برنامه ریزی	نظریه برای برنامه ریزی
مباحثی که نظریه به آن می پردازد؟	این نظریه ها بیشتر درباره روش های برنامه ریزی و تصمیم گیری است تا محتوای آنها. ارزش ها، اهداف، اصول و روش های برنامه ریزی موضوع اصلی نظریه های رویه ای است	این نظریه ها به پدیده ها و عناصری مربوط می شود که برای آنها برنامه ریزی می شود. این پدیده ها به جنبه های مختلف ساخت و عملکرد شهر مربوط می شوند و برنامه ریزی برای آنها موضوع نظریه های محتوایی را تشکیل می دهد	این نظریه ها نتیجه ورود نظریه های اخلاقی و سیاسی در برنامه ریزی است. این نظریه ها در پی ارائه معیار های اخلاقی و سیاسی برای آزمون نظریه های برنامه ریزی است.
مباحثی که نظریه به آن می پردازد؟	روش و فرایند کنونی برنامه ریزی چگونه است؟ چرا؟	چرا موضوع (شهر) این گونه است؟	جامعه و برنامه ریزی چگونه است و چرا؟
نظریه های تجویزی	روش و فرایند کنونی برنامه ریزی چگونه باید باشد؟	موضوع (شهر) چگونه باید باشد؟	جامعه و برنامه ریزی چگونه باید باشد؟

دسته بندی ادوار مختلف نظریه و عمل برنامه ریزی در سه دوره کلی و قابل انطباق با هم امکان پذیر است. در این بخش از نوشتار ابتدا به طور خلاصه به تحولات نظریه برنامه ریزی تا دهه ۱۹۷۰ اشاره شده و سپس تحولات اخیر و زمینه های شکل گیری رویکرد مشارکتی بررسی می شود. تا دهه ۱۹۷۰ سه دوره متمایز از هم در عرصه نظریه پردازی برنامه ریزی شهری باز شناختنی است. جدول زیر نشان دهنده این سه دوره و تأثیر عوامل و زمینه های مختلف معرفت شناختی، سیاسی و اقتصادی بر شکل گیری، اوج و افول هر یک از این دوره ها است.

جدول شماره (۲): ادوار نظریه پردازی در برنامه‌ریزی شهری تا پایان دهه ۱۹۷۰ [20]

دوره تاریخی	برنامه ریزی از آغاز قرن بیستم تا دهه ۱۹۶۰	برنامه ریزی از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰	برنامه ریزی دهه ۱۹۷۰
نام دوره	عصر طرح های جامع سنتی دوره برنامه ریزی بلوپرینتی	عصر دیدگاه سیستمی نظریه برنامه‌ریزی روبه‌ای	دوره تکثرگرایی نظری
مفهوم برنامه ریزی در دوره	تهیه طرح فیزیکی و ثابت برای موضوع برنامه ریزی (شهر). برنامه ریزی مطالعه موضوعاتی است که نیازمند توجه هستند.	فرایند مدیریت اجتماعی در این دوره برنامه‌ریزی مترادف با کنترل‌های پی در پی برای هدایت توسعه تعریف می‌شود	مشارکت مداوم در تضاد
پارادایم	موضوع‌گرا	روبه‌ای	بحران پارادایم
ویژگی‌های اصلی	<p>در این دوره هیچ نوع نظریه برنامه‌ریزی وجود ندارد.</p> <p>آموزش برنامه‌ریزی مترادف با آموزش طرح‌های فیزیکی و ایستا است، نه روش‌ها و فرایندهای آن.</p> <p>مراحل کلاسیک تهیه طرح در این دوره عبارتند از: برداشت، تحلیل و طرح.</p> <p>شاخص‌ترین اندیشمند در برنامه‌ریزی این دوره پاتریک گدس بوده است.</p> <p>عمل و اقدام (راه‌حل) با سادگی تمام از دانش (شناخت و تجزیه و تحلیل) تبعیت می‌کند.</p> <p>در این رویکرد معرفت و دانش، عینی و یقینی تلقی می‌شود.</p> <p>باور به قدرت رهایی‌بخش علم و تخصص فنی در این دوره.</p> <p>در این نظریه گامی که در آن دانش و شناخت به شکل پیشنهادات عملی برگردانده می‌شود، کاملاً مغشوش بوده و روشن نیست.</p> <p>ترسیم آینده‌های مطلوب و قطعی برای دوره‌های مشخص که در افق زمانی تعیین شده باید عملی شود.</p>	<p>در اواسط دهه ۱۹۵۰ انقلابی عقلایی در تمام حوزه‌های علوم اجتماعی، منطقه‌ای و شهری به وقوع پیوست (مجموعه نظریه‌های محتوایی و روبه‌ای). این تحولات تأثیر عمیقی بر حوزه برنامه‌ریزی داشت.</p> <p>تأثیر نظریه‌های خارج از برنامه‌ریزی بر این حوزه.</p> <p>توجه بیشتر از طرح (فرآورده) به فرایند (روبه).</p> <p>برنامه‌ریزی در این دوره قصد دارد</p> <p>از نوعی حرفه که مبتنی بر دانش فردی که در برخی اوقات حاصل جمع‌آوری غیر سیستماتیک و غیر منسجم اطلاعاتی اولیه درباره شهر است، به فعالیتی عملی تبدیل شود.</p>	<p>در این دوره با غلبه نظریه و پارادایم واحدی روبه‌رو نیستیم. از نظر پتسی‌هیلی بعد از نظریه برنامه‌ریزی روبه‌ای می‌توان هفت نظریه در برنامه‌ریزی شهری را تا اواسط دهه ۱۹۷۰ از هم بازشناخت که هر یک به نوعی پاسخی به انتقادات مربوط به ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و معرفت‌شناختی نظریه سیستمی بودند.</p> <p>این نظریه‌ها عبارتند از:</p> <p>(۱) برنامه ریزی گام به گام</p> <p>(۲) پیمایش مختلط</p> <p>(۳) کنش انجمنی و برنامه‌ریزی وکالتی</p> <p>(۴) رویکرد اقتصاد سیاسی جدید</p> <p>(۵) برگشت به ایده آلیم:</p> <p>انسان‌گرایی نوین</p> <p>(۶) رویکرد اجرا و سیاستگذاری</p> <p>(۷) در غلتیدن به پراگماتیسم: بگذارید امور به حال خود اتفاق بیافتد</p>



دلایل تغییر پارادایم	<p>شروع سازندگی و ترمیم اقتصادی در طول دهه ۱۹۵۰ و حرکت شتابان و تحولات فزاینده و عدم تناسب آن با برنامه‌ریزی قدیمی که مناسب برای دنیایی ایستا بود</p>	<p>کنترل‌ها در سیستم مهندسی اساساً در داخل سیستم است در حالی که سیستم شهر و منطقه در داخل سیستم کنترلی خود قرار دارند.</p> <p>در مورد برنامه‌ریزی شهری بر خلاف سیستم‌های مکانیکی هدف پایه به خوبی شناخته شده نیست و در آن گروه‌ها و افراد و سازمان‌های مختلف منافع متفاوتی دارند که گاه با هم متضاد هستند. بنابراین همیشه اهداف بیشتر از یکی است.</p> <p>مفروضات اولیه‌ای نظیر تعادل اقتصادی، توافق بر سر منافع و اهداف و نیز در نظر گرفتن جامعه به عنوان یک کل یکپارچه و برنامه‌ریزان و کارشناسان به عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی در این دیدگاه بسیار غیر واقع‌گرایانه است.</p>
----------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

### مشارکت در برنامه ریزی شهری

ریشه‌های مفهوم شهروندی (citizenship) و به تبع آن مشارکت، به شهر آتنی- رومی قابل باز می‌گردد. در دوران معاصر نیز مشارکت ابتدا در حوزه‌های سیاست و اجتماع مطرح گردید. اما ورود مفهوم مشارکت به عرصه برنامه ریزی شهری را می‌توان حاصل شکست تجربه برنامه ریزی شهری متمرکز و اقتدارگرا دانست. شکستی که لزوم توجه به خواست و نیاز مردم و درگیر کردن آن‌ها در فرایند توسعه را به اثبات رسانید. نخستین اقدامات برای حرکت از ماهیت اقتدار گرایانه برنامه ریزی شهری به سوی ماهیت مردم سالارانه آن را می‌توان در تجارب ایالات متحده آمریکا و سپس انگلستان جستجو کرد [21].

تعریف مشارکت در برنامه ریزی شهری، مقتدر سازی شهروندان در تاثیر گذاری بر تصمیم گیری‌های شهرسازانه و درگیر نمودن آن‌ها در اصلاح و اداره محله خود است. مشارکت در برنامه ریزی بر حسب نوع آن به سه قسم است: ۱- مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری ۲- مشارکت در تامین مالی هزینه انجام طرح‌ها و ۳- مشارکت در تامین نیروی انسانی. ۵. مشارکت در مدیریت و تصمیم‌گیری ترسیم اهداف، گرفتن تصمیم‌ها، گشودن دشواری‌ها و ایجاد دگرگونی‌ها- با به بیان دیگر فعالیت برنامه ریزی- را در بر دارد. مشارکت در تامین مالی و نیروی انسانی در مرحله اجرای طرح مطرح می‌شود که خود به عواملی چون میزان مطلوبیت طرح برای افراد، توانایی مالی و مهارت‌های آن‌ها بستگی دارد [22].

در این راستا کمیسیون اسکفینگتون با تاکید گزاردن بر نوع اول مشارکت، مشارکت کامل را تنها زمانی می‌داند که مردم بتوانند نقشی فعال در فرایند تهیه طرح‌ها بر عهده گیرند. این کمیسیون این گونه بیان می‌دارد که: «مشارکت شهروندی سهیم شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادات است.» به عبارتی می‌توان گفت که مشارکت چیزی است فراتر از تایید مقاصد برنامه ریزان و طراحان. در طرح توسعه عمران لندن بزرگ (۱۹۸۴) نیز در مورد نقش مشارکت شهروندان در تهیه و اجرای طرح بیان شده که: «اگر قرار است طرح به گونه‌ای دموکراتیک به نیازها و مسایل لندن پاسخ دهد مردم نه تنها در مرحله تهیه طرح، بلکه به هنگام اجرای آن نیز، باید مشارکت داشته باشند... گروه‌های محلی و سازمان‌های داوطلب، در اغلب موارد تشکیلات مطلوبی برای اجرای بخش‌هایی از طرح دارند، زیرا آن‌ها از دانش محلی و توانایی ارائه اندیشه‌های نو برخوردارند.»

جدول شماره (۳): انواع مشارکت و معیارهای آن [19].

مشارکت واقعی	مشارکت محدود	مشارکت شعاری	نوع مشارکت معیار ارزیابی
تامین شهروندان و پرداخت هزینه های آن	تامین منافع شهروندان تا جایی که، منافع مراجع برنامه ریزی و دولت تهدید نگردد	تامین منافع مراجع برنامه ریزی و دولت	۱. نیت اصلی برنامه ریزان
مشارکت در اجرا + مشارکت در برنامه ریزی + مشارکت در تصمیم گیری و هدفگذاری	مشارکت در اجرا و تامین مالی + مشارکت محدود در برنامه ریزی	تامین اعتبار مالی طرح و سهمیم شدن در سود آن (در بهترین حالت)	۲. دامنه مشارکت
خود مشارکت، هدف است؛ زیرا که فرایند مشارکت، فی نفسه موجب رشد فکری، روانی، اجتماعی و مدنی شهروندان می گردد	ابزاری برای ارتقای کیفیت طرح ها	ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح و کاهش مقاومت ها در برابر اجرای آن	۳. نگاه به مشارکت
صورت می گیرد.	صورت می گیرد.	صورت نمی گیرد.	۴. نظرخواهی از شهروندان
وجود دارد.	وجود دارد.	وجود ندارد.	۵. حق اعتراض به طرح
وجود دارد.	وجود ندارد.	وجود ندارد.	۶. نظارت شهروندان
دوسویه و بسیار فعال	عمدتا یک سویه (از پایین به بالا) و نسبتا قوی، گاهی از بالا به پایین	یک سویه (از پایین به بالا) و بسیار محدود، به ندرت از بالا به پایین	۷. جریان اطلاعات
دیدگاه مردم سالارانه و مشارکت مستقیم (نظرات، علایق و منافع تمامی شهروندان محور امور است و باید به هر قیمتی منافع و نظرات آن ها تامین شود).	دیدگاه کارکردگرایانه و فن سالارانه (مردم حق اظهار نظر دارند، اما تصمیم گیری نهایی با برنامه ریزان است).	دیدگاه مطلق گرایانه (مردم صاحب حق شمرده نمی شوند).	۸. پشتوانه فکری

### سطوح مشارکت شهروندی

مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می یابد، به عبارت دیگر بین مشارکت تشریفاتی و ساختگی؛ و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرآیند برنامه ریزی ها می باشد تفاوت زیادی دارد. ضمن بررسی مدل های فرآیند مشارکتی در اندیشه های مختلف، مدل هفت مرحله ای همکاری پایدار و مدل فرآیند طراحی شهری بحرینی را ادغام کرده اند که به صورت کلی بر سه مرحله پیش طراحی، طراحی و اجرا تأکید دارد. از سوی دیگر صالحی امیری به این نکته اشاره دارد که مشارکت چهار سطح دارد و پایین ترین سطح مشارکت در تأمین نیروی کار و بالاترین سطح مشارکت در تصمیم گیری است. به طور کلی مشارکت مردم در طرح ها عبارتند از [23]:

الف: مشارکت در برنامه ریزی و تصمیم گیری، ب: مشارکت در اجرای طرح ها، ج: مشارکت در بهره برداری، د: مشارکت در ارزشیابی همچنین منطق گام به گام LUDA، مجموعه اصولی می باشند که برای فرآیند نوسازی و احیا بافت بزرگ مقیاس تدوین شده و عملیاتی شده اند: الف: تشخیص: مشخص کردن سطح و دامنه ی محرومیت، فقر و حذف شدگی اجتماعی که در پس منطقه بزرگ مقیاس و آشفته ی شهری که آن را LUDA می نامیم وجود دارد. ب: چشم اندازسازی: درگیر کردن و مشارکت دادن افراد و گروه های ذی نفوذ در یک چشم انداز رها از اضطراب ها در آینده. ج: برنامه ریزی: تبدیل این چشم انداز آینده و سناریوهای توسعه به برنامه. د: اجرا: رساندن برنامه به عمل. ه: نظارت: ارزیابی موفقیت برنامه [24].

## مبانی فکری مدیریت مشارکتی

مشارکت اجتماعی، پدیده‌های چندبعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاص است و هریک از دیدگاه‌ها و نظریه‌ها به بخشی از آن اشاره کرده‌اند. رفتار مشارکتی، متأثر از زمینه‌های ذهنی و عینی است که قسمتی از آن شامل ویژگی‌های درونی و بخشی بیرونی می‌شود. این عناصر، در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و به وسیله ساختار جامعه مشروط می‌شوند. به همین دلیل است که انسان باید در موقعیت واقعی تصمیم بگیرد که چه کاری انجام دهد و چگونه رفتار کند. در مجموع، سه عنصر مهم و اصلی دولت، شهرداری‌ها و مردم، در بازسازی بافت‌های فرسوده شهری دخیل‌اند که باز یگران عرصه نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده به شمار می‌روند. عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، همیاری، اتحاد، انجمن و نظایر آن همراه است [25].

## نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و دسته‌بندی آن

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد مشارکت مردمی در طراحی، در موفقیت معاصر سازی بافت‌های فرسوده مؤثر است. در زمینه برنامه‌ریزی و شهرسازی مشارکتی که طرح‌های ساخت و ساز در بافت‌های فرسوده درون شهری نیز جزو آن است نظریه‌های متعددی از نیمه دوم دهه ۶۰ میلادی مطرح شده است. در راستای این پژوهش به چند نمونه از این نظریه‌ها پرداخته می‌شود که همگی بر نقش مؤثر مشارکت مردمی در طراحی اذعان دارند [26].

نظریه شری ارنشتاین (Shery Ernstein, 1996)

نظریه میچلی (James Midgley, 1986)

نظریه اسکات دیویدسون (Scott Davidson, 1998)

دیوید دریسکل (David Driskell, 2002)

نظریه‌های فوق از مهمترین نظریه‌های موجود در حوزه ادبیات نظری شهرسازی مشارکتی است که با توجه به شرایط کشورهای پیشرو در مقوله مشارکت مطرح شده است. به جهت تحلیل نظریه‌ها با شرایط ایران انگارهای حاصل از تلفیق نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و شرایط ایران، ارایه می‌شود. برای رسیدن به انگاره مذکور معیارهایی مشخص شد که بر اساس آن می‌توان انواع مشارکت را از هم متمایز کرد. این معیارها به گونه‌ای انتخاب شده که تمامی وجوه شهرسازی مشارکتی را در برگیرند؛ وجه فکری و فلسفی، وجه برنامه‌ریزی و وجه مدیریتی. معیارهای مورد نظر بر اساس سه وجه یاد شده به شرح زیر است.

۱. نیت اصلی و واقعی برنامه ریزان ۲. دامنه مشارکت ۳. نگاه به مشارکت ۴. نظرخواهی از شهروندان ۵. حق اعتراض مردم به طرح

۶. نظارت شهروندان ۷. جریان اطلاعات (که باید دوسویه باشد) ۸. پشتوانه فکری و فلسفی

معیارهای نیت اصلی برنامه ریزان، نگاه به مشارکت و پشتوانه فکری و فلسفی، وجه فکری- فلسفی مفهوم مشارکت را پوشش می‌دهند. معیارهای دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان و جریان اطلاعات، وجه برنامه ریزی مفهوم مشارکت را در نظر دارند و معیارهای نظارت شهروندان و حق اعتراض مردم به طرح، ناظر بر وجه مدیریتی مشارکت است [27].

## شهرسازی مشارکتی و مشارکت مردمی

ریشه لاتین این کلمه از واژه Participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. در دایره المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است. از حیث لغوی واژه مشارکت از ریشه فعل شرک عربی به معنای شریک شدن و سهمی شدن در کار یا عقیده‌ای یا به عبارتی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص می‌باشد. از طرفی میل، اراده و اختیار مشارکت کنندگان در جریان تعامل هدفمند از ضروریات مشارکت است. یکی از ابعاد مشارکت، مشارکت شهروندی است. مشارکت شهروندی را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه و ارادی سازمان یافته و مؤثر افراد، گروه‌ها و سازمان‌های شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی شهری دانست [26]. از این رو مشارکت وسیله‌ای می‌باشد برای تبدیل یک شهروند بی‌تفاوت به یک شهروند، یعنی تبدیل شهروند به انسانی که با محیط خود رابطه ذهنی- عاطفی داشته، مسئولیت بهسازی محیط خود را در یک همیاری مستمر با دیگران بدیهی بیندارد. بطور کلی هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری بیشتر آنان بر طرح‌های شهری است. عندلیب معتقد است مشارکت مفهوم جدیدی نیست؛ بلکه ریشه‌های مفهوم مشارکت را می‌توان در دولت - شهرهای یونان باستان پی جویی کرد. تعریف عام مشارکت، مفاهیمی مترادف با تعاون، همکاری، خودیاری و دگریاری را مطرح می‌سازد اما. تعریف امروزی مشارکت آن را کنش ارادی و هدفمند مطرح می‌سازد که افرادی در یک موقعیت خاص، عملی را انجام می‌دهند

تا اهداف مشترک خود را تحقق بخشند. جدول ذیل خلاصه‌ای از دیدگاه‌های مختلف نظریه پردازان و شاخص‌های هر نظریه را ارائه می‌کند [28].

جدول شماره (۴): دیدگاه‌های مختلف نظریه پردازان در مورد شهرسازی مشارکتی [28].

نظریه پرداز	دیدگاه	شاخص‌ها
آرنشتاین	نردبان مشارکت	
پل	سطح بندی مشارکت در اجتماعات محلی	سطح اول: تسهیم اطلاعات (پایین‌ترین سطح)؛ سطح دوم: مشاوره؛ سطح سوم: تصمیم‌گیری؛ سطح چهارم: اقدام به عمل (بالا‌ترین سطح)
دیویدسون	گردونه ی مشارکت	اطلاع رسانی؛ مشاوره؛ مشارکت؛ توانمندسازی
نظریه ی میانجی‌گری	رویکرد میانجی‌گری در برنامه ریزی مشارکتی	تعهد؛ مذاکره؛ پیش میانجی‌گری؛ میانجی‌گری
هاپکینز	الگوی برنامه ریزی مشارکتی محله مدار: تدارک برنامه؛ رعایت الزامات یک تصمیم‌گیری خوب؛ سهم خرده سیستم‌ها ی شهری در برنامه؛ فراهم کردن مکانیزم همراهی سیستم جامعه شهری با برنامه‌ها	۱. شناسایی زندگی روزمره محله، لحاظ زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی محله، مشارکت اجتماعی و اقتصادی ۲. وابستگی عناصر تصمیم‌گیری، عدم تناقض اهداف و خط‌مشی‌ها
جان ترنر	۱. دولت فراهم می‌کند و دولت تصمیم می‌گیرد. ۲. مردم فراهم می‌کند و دولت تصمیم می‌گیرد. ۳. دولت فراهم می‌کند و مردم تصمیم می‌گیرد. ۴. مردم فراهم می‌کند و مردم تصمیم می‌گیرد.	دسته بندی اشکال مشارکت بر مبنای حضور و عدم حضور دولت و مردم به ۴ دسته
سعیدی رضوانی	مشارکت شعاری مشارکت محدود مشارکت واقعی	۱. تأمین منافع مراجع برنامه ریزی، تظاهر به مشارکت ۲. مشارکت بدون مخالفت ۳. تأمین حداکثر منابع مردم، مشارکت به عنوان ابزار و هدف

### طبقه بندی مشارکت شهروندی بر اساس نردبان‌های مشارکتی

طیف مشارکت از صفر شروع و با گذشتن از درجات مختلف مشاوره به مشارکت کامل ختم می‌شود. مشارکت ممکن است از همراهی ذهنی و فکری و ارائه ی صرف یک عقیده در جایی غیر از مرکز ثقل تصمیم‌گیری شروع و به عضویت در یک گروه کاری که دارای اختیار تصمیم‌گیری روی مسأله ی خاصی است ختم شود. درجه اعلا ی مشارکت به میدان آوردن تمامی توان و سرمایه فیزیکی و مادی شهروند در اجرای طرح‌های شهری است. به طور کلی اکثر دانشمندان درجات مشارکت را در سه طبقه عدم مشارکت، مشارکت جزئی و مشارکت کامل طبقه بندی کرده اند. مهمترین این اندیشمندان را با ترتیب زمانی نظریات آن‌ها مرور می‌کنیم [29]:

### شری آرنشتاین

احتمالاً معروفترین بررسی مشارکت شهروندی، نردبان مشارکت شهروندی آرنشتاین (۱۹۶۹) است، که مشارکت را از وجه قدرت شهروندان مورد بررسی قرار می‌دهد. آرنشتاین مشارکت را به عنوان توزیع مجدد قدرت تعریف می‌کند به گونه ای که امکانی ایجاد شود تا شهروندان بدون قدرت که در حال حاضر از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی حذف شده اند؛ در آینده، تمعدا در فضا مشمول توجه واقع شوند. به نظر وی در پایین‌ترین پله هیچ قدرتی برای مشارکت وجود ندارد. در پلکان دوم که بحث آگاهی از فرآیند تصمیم‌گیری است عمدتاً غیر واقعی است و تنها آگاهی از وضعیت مشارکت مورد نظر است. در پلکان سوم بحث آگاهی و اطلاع رسانی قرار دارد این قسمت فرآیند آگاه سازی شهروندان می‌باشد. در پلکان چهارم که مشورت و مشاوره است قبل از اجرا با نظرسنجی از نظرات شهروندان مطلع می‌شویم ولی اگر جنبه صوری داشته باشد نظرات زیاد جدی قلمداد نمی‌گردد. اصل مهم در این دسته بندی، درجه بندی مفهومی است که از عدم مشارکت تا کامل ترین نوع مشارکت تداوم دارد. بر این اساس می‌توان انواع رویکردهای دخالت مردم در پروژه‌های شهری را بازنمایی نمود [26]:

محروریت از مشارکت: این مشارکت در واقع مشارکت محسوب نمی شود. بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی، تأمین منافع مردم نیست بلکه تأمین منافع کارفرما است. علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه سهولت اجرای طرح است.

مشارکت جزئی: نیت اصلی در این نوع مشارکت تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع دولت و کارفرمایان تضاد پیدا نکند. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند، اما نمی توانند بر اجرای نظرات خودشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته های خود را پیگیری نمایند. مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح ها از پایین به قلمداد می شود. جریان اطلاعات، عمدتاً بالا بوده و از مشارکت مردم در تأمین اعتبار مالی طرح ها استفاده می شود.

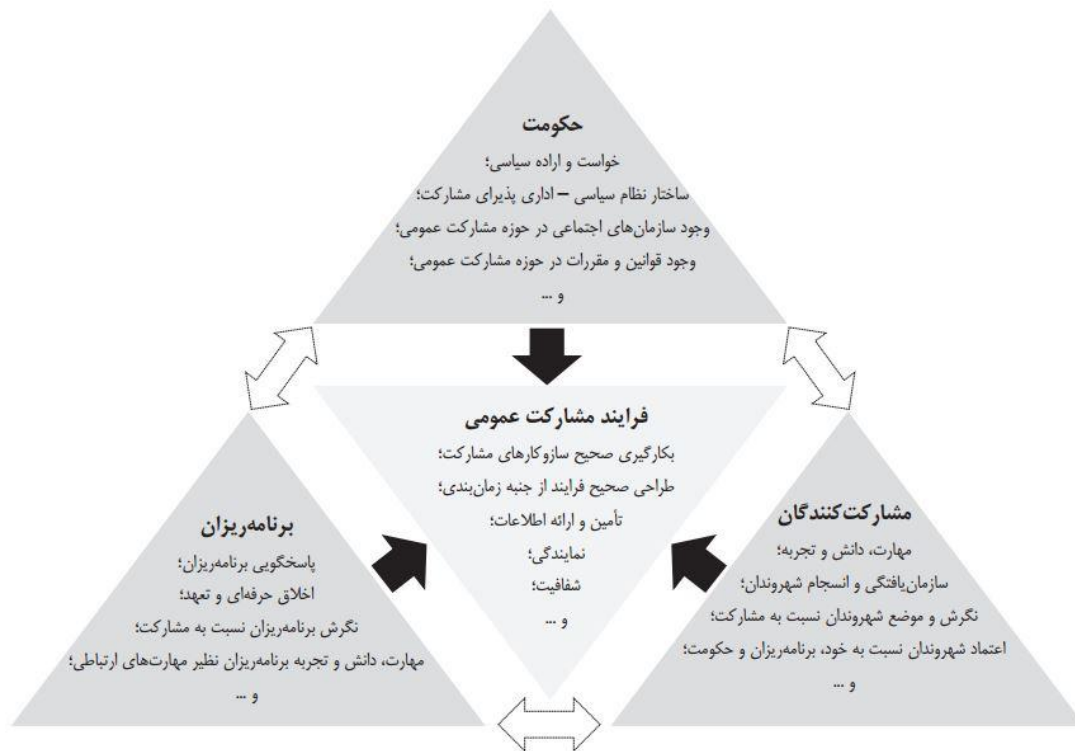
قدرت شهروندی: نیت اصلی، تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. مشارکت علاوه بر آنکه ابزاری برای بهبود کیفیت طرح ها قلمداد می شود، خود به عنوان هدفی در جهت رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان است. شهروندان در تصمیم گیری و هدف گذاری مشارکت نموده، علاوه بر آن حق اظهار نظر، اعتراض و مخالفت با طرح، همچنین توانایی نظارت بر اجرای خواسته هایشان را نیز دارند. ویدرمن و فمرز (۱۹۹۳)، نردبان دیگری ارائه می دهند که در آن مشارکت شهروندی طیفی از آموزش عمومی - با تأثیرگذاری کم بر تصمیم سازی - تا مشارکت عمومی در پروسه تصمیم گیری نهایی را در بر می گیرد. تفاوت این نظریه با نظریه ارنشتاین در تمرکز و هم سنگی این نظریه با برداشت های موجود از مشارکت عمومی است که در سازمان ها و مراکز حکومتی بزرگ یافت می شود. در چنین محیط هایی، مشارکت معمولاً یکی از ملزومات فرایند تصمیم سازی است، اگرچه آنچه که عموم، یا مشارکت مردمی را ایجاد می کند، عموماً تعریف نشده است.

دورسی و همکاران (۱۹۹۴)، مثل ویدرمن و فمرز، چارچوبی برای درگیری عموم مردم ایجاد می کند که در امتداد طیفی از اطلاع رسانی به مردم تا برخی حالات درگیری و مشارکت مداوم بین مردم و تصمیم سازان ادامه می یابد. رویکرد دورسی بطور موازی با گام های رایج فرایندهای برنامه ریزی حرکت می کند. گام های موجود در این طیف؛ در طول فرآیند، از یک تبلیغ کلی درباره یک موضوع، تا مجموعه مداخله پذیرتری از فعالیت ها ارتقا می یابد [26].

### موانع و الزام های تحقق مشارکت عمومی

مشارکت عمومی در دهه های پایانی قرن بیستم به یکی از اصول مهم گفتمان برنامه ریزی و عنصر ارزشمند حقوق شهروندی و تصمیم سازی دموکراتیک در جهان تبدیل شده است و محققانی نظیر فورستر (۱۹۸۹)، هیلی (۱۹۹۲)، سندراک (۱۹۸۹)، (Khan & Swapan, 2013) و دیگر محققان بر لزوم برنامه ریزی مشارکتی مبتنی بر نیاز و قابل قبول از نظر اجتماعی بجای رویکرد از بالا به پایین و تخصص محور مرسوم تأکید کرده اند. تعهد نسبت به مشارکت عمومی به عنوان جزئی جدانشدنی از اخلاق برنامه ریزی و نیز پیش شرطی برای مشروعیت بخشیدن به آن در کشورهای دموکراتیک در حال افزایش است و اهمیت آن نزد محققان به اندازه ای است که کینگ و همکارانش (۱۹۹۸) معتقدند باید به شهروندان به عنوان رکن چهارم حکومت نگریسته شود. با وجود اهمیت فزاینده مشارکت عمومی در برنامه ریزی و حکم روایی شهری و اختصاص یافتن بخش مهمی از پیشینه برنامه ریزی در سال های اخیر به این موضوع، بسیاری از برنامه ریزان، مدیران و شهروندان اغلب نسبت به مشارکت عمومی ناامید هستند، به گونه ای که یانگ و پندی (۲۰۱۱) برای تأکید بر این موضوع، به وجود یک جعبه سیاه در مسیر رسیدن به مشارکت مؤثر اشاره کرده اند [25]. بیشتر توجه های پیشین در زمینه مشارکت عمومی معطوف به بحث های هنجاری مربوط به محاسن و چارچوب های مفهومی مداخله عمومی بوده است، در حالی که به نظر می رسد فعالیت کنونی به شکل گسترده بر روی تلاش برای طراحی فرایندهای مشارکت عمومی آگاهانه تر، کارآمدتر و مشروع تر با مؤلفه های ارزیابی قوی تر متمرکز باشد اگرچه مشارکت عمومی اغلب به عنوان یک خوب مطلق توصیف می شود که هرچه بیشتر باشد، نتایج بهتر است، تردیدها نسبت به کارایی و اثربخشی فرایندهای مشارکتی در عمل در حال افزایش است. توصیف کوتاه ولی صریح فورستر (۲۰۰۶) از مشارکت به عنوان آنچه که در صحبت آسان ولی در عمل دشوار است، به خوبی لزوم توجه به شرایط لازم برای عملیاتی کردن مشارکت عمومی را در زمینه های مختلف آشکار می کند. آنچه نیاز به آن به روشنی توسط محققان مختلف بیان شده است. مشارکت شهروندی در ترتیبات نهادی جای می گیرد و به وسیله عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فردی محدود می شود. هر چند یک درک نظری و عمومی در خصوص اینکه مردم باید بیشتر در تصمیم های عمومی مشارکت داده شوند، وجود دارد و تلاش های بسیاری در این خصوص در حال انجام است، ولی هنوز بسیاری از مدیران در بهترین حالت در خصوص مداخله عمومی مردد هستند و در بدترین حالت آن را مشکل ساز می دانند. شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می دهد تلاش های صورت گرفته تاکنون اغلب اثربخش نبوده اند و با وجود پیشینه نظری نسبتاً گسترده در این حوزه، کمتر کارایی مشارکت در عمل در نظر گرفته شده است. بنابراین یکی از پرسش های مهمی که در این زمینه مطرح می شود این است که مشارکت شهروندان در چه شرایطی محقق می شود. کینگ و همکارانش بر این باورند که راه حل این مسئله چیزی بیش از یافتن ابزار و تکنیک های مناسب برای

افزایش مداخله عمومی در تصمیم‌ها است و نیازمند بازاندیشی در نقش‌های اساسی و روابط میان برنامه‌ریزان، مدیران و شهروندان است (۱۹۹۸، ۳۱۷). ولی بسیاری از مطالعه‌ها در این زمینه بر روی کارایی تکنیک‌ها و روش‌های عملی تحقق مشارکت شهروندان به طور کلی و یا در یک نمونه خاص تمرکز داشته‌اند [27]. جهت‌گیری بسیاری از محققان نیز در این خصوص بسیار توصیفی و تجویزی بوده است، نظیر لانگتون (۱۹۷۸) که کیفیت مشارکت شهروندان را با پنج عامل آموزش شهروندی، نخبه‌گرایی، پیچیدگی تکنولوژیکی، تأمین منابع مالی و رفتار حکومت و نمایندگی تعریف می‌کند. پرلمن (۱۹۷۸) بر ویژگی‌های سازمانی گروه‌های شهروندی و توده مردم تأکید می‌کند در حالی که روزنر (۱۹۷۸) اهمیت برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن شیوه‌های مشارکت با اهداف مشارکت را برجسته می‌کند. ویکتوریا برد نیز موفقیت توسعه اجتماع محلی مشارکتی را وابسته به توانایی شهروندان در شکل‌دهی به روابط همیارانه و هدایت دانش، زمان و منابع اقتصادی از طریق سازمان‌های جامعه مدنی برای دستیابی به نتایج مثبت توسعه توصیف کرده است. یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل عدم موفقیت مشارکت شهروندان از جنبه صاحبان قدرت، مقاومت آنها در برابر توزیع مجدد قدرت است. همواره یک تنش غیرقابل انکار میان حق مردم برای مشارکت بیشتر و حق مقام‌های عمومی به عنوان تصمیم‌ساز وجود دارد، به گونه‌ای که محققان برنامه‌ریزی ارتباطی اغلب بر این باورند که شکل‌های برنامه‌ریزی مشارکتی بر پایه مشورت عمومی می‌تواند موجب فرایند تصمیم‌سازی منصفانه‌تر با غلبه بر اختلاف‌های قدرت میان شهروندان و ذینفعان شود. از نظر شهروندان ناکارآمدی اجتماع‌های محلی از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و زیرساختی و دانش و آگاهی و نیز دشواری در سازماندهی گروه‌های نمایندگی و پاسخگو با وجود ناهمبستگی و بی‌اعتمادی، مانعی مهم بر سر راه مشارکت شهروندی محسوب می‌شود [26]. فورستر (۲۰۰۶) معتقد است مشارکت عمومی در فرایندهای برنامه‌ریزی می‌تواند غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل اعتماد و متغیر باشد و نابرابری‌های قدرت، درآمد، و اطلاعات موارد مهمی است که اغلب فرایندهای مشارکتی را تهدید می‌کنند. ذینفعان مختلف ممکن است در فرایند مشارکت اختلال ایجاد کنند، اطلاعات را پنهان کنند، به صورت کلیشه‌ای رفتار کنند، به شدت بده‌بستانی فکر کنند، در بیان نظرهای خود اغراق کنند، از مسائل به نفع خود بهره‌برداری کنند و مسائل را وارونه جلوه دهند. از دیدگاه وی مشارکت عمومی کارآمد در برنامه‌ریزی و مدیریت عمومی مستلزم توجه و تکنیک، ابتکار و جسارت است. برای تحقق آن لازم است به راهبردهایی نظیر رهبری احزاب، دیپلماسی و تقسیم نقش‌ها توجه شود. فعالیت‌های میانجی‌گری ماهرانه می‌تواند تضادهای واقعی در روابط و توافق‌های عملی را با بهره‌گیری از تلاش‌های پایدار و خلاقانه تغییر دهد. نتایج مطالعه‌ی تانو و همکارانش نشان می‌دهد، کمبود علاقه شهروندان مشکلی است که به نظر می‌رسد بیشترین مانع را برای تحقق مشارکت شهروندی به وجود آورده است. این مسئله می‌تواند به عنوان یک پارادوکس شناخته شود، کسانی که بیشترین منفعت از مشارکت نصیبشان می‌شود، مانع اصلی در توسعه ابتکارات عمل مشارکتی هستند و یا حداقل این چیزی است که مقام‌های حکومتی فکر می‌کنند. از موارد دیگر می‌توان به کمبود منابع مالی، منابع انسانی، مقاومت نسبت به تغییر، کمبود علاقه و خواست سیاسی و کمبود مثال‌ها و تجاربی برای آموختن از آنها اشاره کرد [28]. بونفانده و لویکولو در مطالعه خود بر روی فرایندهای برنامه‌ریزی مشارکتی در غیاب فضای دموکراسی، اهمیت مواضع مشارکت‌کنندگان و مقام‌های رسمی را برجسته می‌کنند. هرچند به شکل گسترده چنین استدلال می‌شود که برنامه‌ریزی می‌تواند منعکس‌کننده علایق و منافع عمومی باشد، ولی این امکان نیز وجود دارد که اهداف و اقدام‌های برنامه‌ریزی به طور کامل توسط منافع پنهان تحریف شوند. کانلی (۲۰۱۰) در مطالعه خود به تبیین نقش برنامه‌ریزانی می‌پردازد که به عنوان افرادی با ارزش‌های سیاسی و فرهنگی در شرایطی دشوار با فرصت‌های محدود به واسطه ساختار حکم‌روایی سیاسی، زمینه تحقق مشارکت شهروندان را فراهم می‌کنند. وی در نتیجه این مطالعه ضمن اشاره به ضرورت تحلیل مشارکت در دامنه گسترده تری از شرایط سیاسی و نهادی، بر اهمیت درک ماهیت و نقش مقام‌های رسمی به عنوان افراد میانجی میان دولت و شهروندان و بر ضرورت وجود مقام‌های رسمی فهیم از نظر سیاسی، مطمئن و جسور از نظر دموکراسی، کاردان، شایسته و آگاه از جنبه اجرا تأکید می‌کند. همچنین تغییر ساختارهای نهادی و فرهنگی در کنار استفاده از تکنیک‌های مناسب را ضرورتی در راستای تحقق مشارکت می‌داند. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که ابتکارات و سازوکارهای عمل مشارکت شهروندی در طیفی از کشورها با نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت در حال اجرا است. اما چگونگی تحقق و میزان موفقیت آنها در عمل یکسان نیست و بسیاری از کشورها در ابتدای این مسیر دشوار قرار دارند. با وجود اینکه تاکنون مطالعه‌های بسیاری با هدف شناسایی معیارهای ارزیابی فرایندها و برنامه‌های مشارکتی و در سطحی محدودتر به منظور شناخت موانع و الزام‌های تحقق مشارکت عمومی صورت گرفته است، اکثر آنها چارچوب‌های کلی، موقت، غیررسمی و محدودی را برای بررسی و تحلیل مشارکت عمومی ارائه کرده‌اند. بر اساس پژوهش‌های مورد بررسی در هر دو بخش، کلیه مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت عمومی استخراج و در قالب الگوی اولیه پیشنهادی پژوهش، طبقه‌بندی شده‌اند (شکل ۱) [29].



شکل (۱): متغیرهای زمین‌های و تأثیرهای بالقوه در ارتباط با تحقق مشارکت عمومی [29]

### بسترهای قانونی و سایر الزامات تحقق پذیری مشارکت

از بدو پیدایش سکونتگاه‌های شهری- به ویژه شهری که به تعبیر دکتر پرویز پیران به عنوان شهر شهروندمدار ۶ در جوامع غربی شناخته می‌شود- ارتباطات انسانی در آن ورای روابط خونی-قومی و بر پایه قراردادهای اجتماعی مورد توافق همگان استوار است. ضرورت این قانون مداری در جوامع شهری امروزی با مناسبات اجتماعی پیچیده تر بیشتر مطرح بوده و به روابط میان شهروندان و مدیریت شهری - به عنوان نهاد اداره کننده شهر- نیز تعمیم می‌یابد [30]. به عبارتی مشارکت شهروندان با مدیریت شهری در اداره و اصلاح محیط زندگی باید بر پایه قانونمندی شکل گیرد. همانگونه که فوراکر و لاندمن (۱۹۹۷) میان «شهروندی-در-اصل» (حقوقی-قانونی) و «شهروندی-در-عمل» (عملی-عینی) تمایز قایل می‌شوند، ۷ برای مشارکت به عنوان یکی از شاخص‌های تحقق شهروندی نیز می‌توان دوسطح-یعنی مشارکت در عرصه نظری و مشارکت در عرصه عملی- پیش بینی نمود. بدیهی است که عینی شدن مشارکت و تحقق پذیری آن مستلزم فراهم کردن زیر ساخت‌های مناسب از جمله نهادها و قوانین لازم است؛ به نحوی که نقش مردم و نهادهای مدنی در فرایند تهیه و تصویب برنامه‌ها اندیشیده شود. علیرضا علوی تبار عوامل موثر بر مشارکت را در قالب چهار دسته کلی تعریف می‌کند:

۱. گرایش فرد به مشارکت
۲. هنجارهای اجتماعی
۳. ویژگی‌های فردی
۴. امکان مشارکت [31]

سه عامل اول که خود توسط معیارهایی چون آگاهی فرد از مشارکت، تصور و ارزیابی او از پیامدهایی آن، تصور فرد از قضاوت دیگران راجع به این کنش اجتماعی و انگیزه او برای بر آوردن توقعات آنها، سوابق فرد و ... سنجیده می‌شود، همگی قصد و نیت مشارکت را در فرد بوجود می‌آورند؛ اما تنها وجود چنین تصویری کافی نیست، بلکه امکان مشارکت برای عملی شدن آن شرط کافی این فرایند محسوب شده و دو جنبه متفاوت را در بر می‌گیرد. یکی از جوانب این شرایط نظام نهادی و قانونی جامعه است. «قوانین جامعه از یک سو چهارچوب‌های

<sup>۶</sup> پیران، پرویز؛ شهر شهروندمدار؛ ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ شماره ۱۲۰-۱۱۹

<sup>۷</sup> نجاتی حسینی، سید محمود؛ جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری؛ شماره ۵، بهار ۱۳۸۰  
به نظر این دو، میان «شهروندی-در-اصل» (حقوقی-قانونی) و «شهروندی-در-عمل» (عملی-عینی) تفاوت وجود دارد. اولی اشاره به شهروندی دارد که باید از طریق رویه‌های نهادی حقوقی قانونی در جامعه مدنی به رسمیت شناخته شود، ولی دومی به مفهوم عینیت و تحقق عملی شهروندی در جامعه است.

قابل قبول و رسمیت یافته کنش های اجتماعی را مشخص می سازند و از سوی دیگر حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می نمایند» جنبه دوم نیز به وجود دانش و آگاهی در فرد، اعتماد به نفس، اعتماد به نهادها و روندهای جاری در جامعه و نیز امکانات مالی و .... اشاره دارد. چنانکه کائوتری باور دارد اگر مردم به امکانات مادی و اختیارات لازم برای اجرای طرح های مورد علاقه خود دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی علائقی خواهد داد [30].

### انگاره تلفیقی و معیارهای دسته بندی نظریه ها

نظریه های فوق از مهم ترین نظریه های موجود در حوزه ادبیات نظری شهرسازی مشارکتی است که با توجه به شرایط کشورهای پیشرو در مقوله مشارکت مطرح شده است. به جهت تحلیل نظریه ها با شرایط ایران انگارهای حاصل از تلفیق نظریه های شهرسازی مشارکتی و شرایط ایران، ارائه می شود. برای رسیدن به انگاره مذکور معیارهایی مشخص شد که بر اساس آن می توان انواع مشارکت را از هم متمایز کرد. این معیارها به گونه ای انتخاب شده که تمامی وجوه شهرسازی مشارکتی را در برگیرند؛ وجه فکری و فلسفی، وجه برنامه ریزی و وجه مدیریتی. معیارهای مورد نظر بر اساس سه وجه یاد شده به شرح زیر است:

۱. نیت اصلی و واقعی برنامه ریزان

۲. دامنه مشارکت

۳. نگاه به مشارکت

۴. نظرخواهی از شهروندان

۵. حق اعتراض مردم به طرح

۶. نظارت شهروندان

۷. جریان اطلاعات (که باید دوسویه باشد)

۸. پشتوانه فکری و فلسفی معیارهای نیت اصلی برنامه ریزان، نگاه به مشارکت و پشتوانه فکری و فلسفی، وجه فکری- فلسفی مفهوم مشارکت را پوشش می دهند. معیارهای دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان و جریان اطلاعات، وجه برنامه ریزی مفهوم مشارکت را در نظر دارند و معیارهای نظارت شهروندان و حق اعتراض مردم به طرح، ناظر بر وجه مدیریتی مشارکت است [31].

### دسته بندی نظریه های شهرسازی مشارکتی بر اساس شرایط ایران

با توجه به معیارهای فوق می توان نظریه های مشارکتی را با توجه به شرایط ایران به سه دسته تقسیم کرد؛

۱. مشارکت شعاری ۲. مشارکت محدود ۳. مشارکت واقعی

**مشارکت شعاری**<sup>۹</sup>: در واقع مشارکت محسوب نمیشود بلکه، ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی نه تأمین منافع مردم، بلکه تأمین منافع مراجع برنامه ریزی است و علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه، سهولت اجرای طرح است. نیت اصلی در مشارکت محدود، تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع مردم و مراجع برنامه ریزی تضاد پیدا نکند. هدف اصلی مشارکت واقعی، تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. در مشارکت شعاری؛ نیت اصلی، تأمین منافع مراجع برنامه ریزی است که پشتوانه فکری و فلسفی این دیدگاه مطلق گرایانه است [32].

**مشارکت محدود**<sup>۱۰</sup>: نیت اصلی تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع مردم و مراجع برنامه ریزی تضاد پیدا نکند. مردم اظهار نظر و مخالفت دارند اما نمی توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند. جریان اطلاعات در این از پایین به بالاست. پشتوانه این نوع مشارکت معمولاً مشارکت، دیدگاه های کارکردگرایانه و فن سالارانه است. در مشارکت محدود؛ دامنه مشارکت به تأمین اعتبار مالی طرح ها و اظهار نظر در بعضی موارد از برنامه ریزی محدود می شود و پشتوانه فکری فلسفی آن دیدگاه های کارکردگرایانه و فن سالارانه است [33].

**مشارکت واقعی**<sup>۱۱</sup>: نیت اصلی تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم مردم است. هزینه های این امر توسط دولت یا سازمان پشتیبان طرح تأمین می شود. جریان اطلاعات در این نوع مشارکت، دوسویه و بسیار فعال بوده و مراجع برنامه ریزی و مردم هر دو اطلاعاتشان را در اختیار هم می گذارند. پشتوانه فکری اینگونه از مشارکت، دیدگاه های مردم سالارانه لیبرال و مشارکت مستقیم است. در مشارکت واقعی؛ نیت اصلی، تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت آنها است. حق اظهار نظر، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر

9. Analytical Hierarchy process

10. Participation slogan

11 . Limited partnership.



خواسته های خود، از جمله نقش هایی است که در این نوع از مشارکت برای مردم دیده می شود این پژوهش تنها موضوع نظرخواهی از شهروندان را در تهیه طرح مورد بررسی قرار داده است و می توان انتظار داشت در صورتی که در اجرای پروژه های معاصر سازی، نظرات مردم در طراحی اخذ شود، حداقل از ۸ معیار شهرسازی مشارکتی ۲ معیار نظرخواهی از شهروندان و حق اعتراض به طرح، منطبق با شرایط مشارکت واقعی شود و موضوع "نگاه به مشارکت" نیز بر مشارکت محدود انطباق پیدا کند [33].

### نتیجه گیری و پیشنهادات

یکی از مسائل مهم در برنامه ریزی شهری و توسعه شهرهای کشور، بحث مشارکت پایدار شهروندان در همه بخش های مختلف برنامه ریزی شهری است. به طوریکه در دنیای امروز توسعه پایدار یک کشور متناسب است با میزان به کارگیری و مشارکت در برنامه ریزی ها، فعالیت ها و امور شهری. مشارکت شهروندان به عنوان مهم ترین عامل در توسعه شهری به شمار می رود. از اینرو مدیران و کارشناسان به مثابه عاملان سطح کلان، در فرایند مشارکت پذیری و تسهیل امر مشارکت مردم نقش موثری دارند. برای این منظور لازم است این گروه نیز تغییر نگرش پیدا کنند. تغییر نگرش این گروه، در پاسخگویی بودن واگذاری تصمیم سازی و تصمیم گیری به مردم و تسهیل ارتباط با مردم نقش تعیین کننده ای دارد. در سوی دیگر، بستر سازی برای مشارکت مردم است. مشارکت شهروندان نیازمند اصلاح ساختارهای سازمانی و حقوق در سطح خرد و کلان است. بستر سازی برای توزیع عادلانه منافع و اصلاح قوانین و ضوابط و مقررات اداری برای پذیرش و تسهیل حضور و مداخله مردم در فرایند تصمیم سازی، برنامه ریزی و اجرا و ارزیابی ضروری است. در سطح خرد وجود سیستم های اداری و سازمانی برای پاسخگویی به مردم و ایجاد سازمان هوشمند و پاسخگویی و تدوین و اصلاح قوانین و مقررات برای پذیرش و تسهیل گری مردم در سطح کلان توسعه نهاد های محلی و دولتی برای زمینه سازی مشارکت می تواند، مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و توسعه شهرها را زمینه سازی کند. کلام پایانی اینکه، پیش شرط موفقیت تمامی برنامه های مشارکتی، باور سیاست گذاران و برنامه ریزان و مدیران شهری به تأثیر مشارکت شهروندان در حل مسائل و مشکلاتی است که بهبود کیفیت زندگی آنان در گرو یافتن راه حل و چاره ای مناسب برای آن ها است. امروزه در نظام های برنامه ریزی بویژه در کشورهای دموکراتیک مشارکت به عنوان یکی از اصیل ترین و مقبول ترین رویکردها جهت نیل به اهداف برنامه ریزی از جمله پایداری پذیرفته شده است. نقش مردم در فرآیند برنامه ریزی و توسعه شهری را نبایستی نادیده گرفت زیرا که مردمی که در آن منطقه زندگی، کار و یا فعالیت می نمایند در جهت امر برنامه ریزی می توانند به عنوان بهترین راهنما عمل نمایند. بدین جهت در رابطه با مقوله مدیریت و برنامه ریزی شهری با بهره گیری از سرمایه های اجتماعی و علی الخصوص مشارکت شهروندان باید به نکات و پیشنهادات ذیل توجه داشت:

- آگاه سازی شهروندان که قانون از آنها چه حمایت هایی می کند و همچنین احیای حس اعتماد بین آنها نسبت به نهادهای مدیریت شهری، ایجاد ضمانت اجرایی و تشویق های مالی از طرف دولت زمینه مشارکت هرچه بیشتر شهروندان در جهت مدیریت و توسعه شهری فراهم خواهد نمود.

- پاسخگویی مناسب مسئولان شهری به مراجعه کنندگان در زمینه مشکلات شهر
- توجه بیشتر به پیشنهادات و نظرات مردم در مورد مشکلات شهر
- جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رسیدن نظرات آنان
- طراحی سایت نظرخواهی از شهروندان در خصوص برنامه ها در فضای مجازی
- ارزیابی سالانه از میزان مشارکت مردم در امور شهری و شناسایی موانع و مشکلات آن
- ارزیابی سالانه از میزان مشارکت مردم در امور شهری و شناسایی موانع و مشکلات آن؛
- استفاده از پتانسیل مدارس و دانشگاه ها برای جلب مشارکت در امور فرهنگی و اجتماعی؛
- سودآور کردن مشارکت و تعبیه ابزارهای لازم برای جلب مشارکت مردم در امور انتفاعی؛
- سهیم کردن مردم مشارکت جو در بخشی از منافع ایجاد شده ناشی از تولید خدمات شهری؛
- معافیت مالیاتی و کاهش عوارض شهرداری و یا تخفیف آن ها برای شهروندان مشارکت جو و نمونه؛
- مشارکت مردم در برنامه ریزی و اجرای برنامه های شهری و ارائه نظرات اصلاحی در خصوص آن ها؛
- تقویت مشارکت از سطوح پائین مانند سطح محلی و مجموعه های مسکونی و...؛
- اصلاح مقررات در تسهیل واگذاری امور به مردم و در نظر گرفتن سیستم نظارتی بر مدیریت شهری؛
- گسترش تشکلهای صنفی و مردم نهاد و غیردولتی و نظارت نهادهای محلی بر خدمات شهری.
- آموزش کوتاه، میان و بلند مدت جوانان و نوجوانان در زمینه جلب مشارکت آنان در امور شهری.

## منابع و مراجع

- [۱] کاظمیان، غ؛ حق شناس کاشانی، ف و شادمانفر، ر، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر الگوی شورایاری محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳.
- [۲] علوی تبار، ع، ۱۳۷۹، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (جلد اول)، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور.
- [۳] حبیبی، م، سعیدی رضوانی، ه، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
- [4] Chege, p., (2006), Participatory Urban planning and Partnerships Building: Supporting provision of Access to Basic Services for the Urban poor: A Case Study Based on Practical Actions (ITDG) Experiences in Kitale, a Secondary Town in Kenya, pp.1-15.
- [۵] فمی، ز، دوبران، الف، ۱۳۸۷، برنامه ریزی مردم محور (مشارکتی) در مقیاس خردشهری (مجله) نمونه موردی محله اسلام آباد زنجان.
- [۶] آیینی، م، اردستانی، ز، ۱۳۸۸، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درونزای شهری، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵۸، ۵ - ۴۷.
- [۷] پورسراجیان، م، ۱۳۸۹، شرح خدمات طراحی فضاهای شهری با رویکرد مشارکت مردمی، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری.
- [۸] حناچی، س، مرادی مسیحی، 1380، مشارکت مردمی در برنامه ریزی و توسعه شهری، شهر سازی مشارکتی، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- [۹] اوست هوپی زن، الف، ۱۳۷۷، مشارکت شهروندان در طرح ریزی توسعه نواحی شهری، ترجمه ناصر برک پور، مجله معماری و شهرسازی شماره ۴۸ و ۴۹.
- [10] Fainstein, S. S & Norman Fainstein (1996), City Planning and Political Values: An Updated View, in Reading in Planning Theory, Campbell, S.A and S.Fainstien eds Blackwell, London.
- [11] Shakeri, M. (2011), Democratic assessment of collaborative planning practices. Faculty of Geoinformation Science and Earth Observation. University of Twente. Netherlands.
- [12] Arnstein, sherry R., (1969), A Ladder of citizen Participation, Alp Journal, pp: 216-224.
- [۱۳] رحمتی، ن، ۱۳۸۷، توانمند سازی سرمایه اجتماعی با الگوی بهینه مشارکت محله ای به منظور بهسازی محله سرشور مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۴] عباس زاده، م، ۱۳۸۷، بررسی عوامل موثر در مشارکت شهروندان در امور شهری مورد مطالعه شهر اصفهان، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
- [۱۵] یاور، ب، ۱۳۸۰، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی واقعیات، اهداف، استراتژی ها، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی گرایش برنامه ریزی شهری و منطقه ای. تهران. دانشگاه علم و صنعت ایران.
- [16] Gans, Herbert J, (1969), Planning for People, not Buildings, Environment and Planning Journal, Vol. 1, pp. 33-46.
- [۱۷] جمشید زاده، الف و غفاری، غ، 1390، مشارکت های مردمی و امور شهری بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت مردمی، انتشارات جامعه و فرهنگ، اداره کل معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، چاپ باران، چاپ اول، تهران.
- [۱۸] علوی تبار، ع، ۱۳۸۲، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، سازمان شهرداری ها.
- [۱۹] رزمی، ح، ر، ابراهیمی، ر، ۱۳۹۶، بررسی و تحلیل نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری مبتنی بر رویکرد مشارکتی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در علوم، تکنولوژی و دانش، هانوفر، آلمان.
- [۲۰] علوی تبار، ع، ۱۳۸۲، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد دوم، سازمان شهرداری ها.
- [۲۱] فوکو یاما، ف، ۱۳۷۸، پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، نشر جامعه ایرانیان.
- [۲۲] موسوی، م، ۱۳۸۵، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- [23] Andrews Patricia & Herschel Richard, (1997), *Organizational Communication: Empowerment in a Technological society*, Delhi Houghton Mifflin, Co.
- [24] Delli Priscoli, (2003), *Jerme: Participation Consensus Building and Conflict Management Training*, UNESCO.
- [۲۵] حسینی، ع، ۱۳۸۲، سازوکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح های توسعه‌ی شهری و ارائه الگوی مناسب مورد گلسار رشت، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- [۲۶] راهنمایی، م ت، شاه حسینی، پ، ۱۳۸۵، فرایند برنامه ریزی شهری ایران، تهران. انتشارات سمت.
- [۲۷] رفیعیان، س، ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری و آرایه الگوی مناسب مورد شهر فسا، به راهنمایی دکتر حسین یغفوری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- [۲۸] سعیدی رضوانی، ه، ۱۳۸۵، عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران نمونه موردی قلعه آبکوه مشهد، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۹۳، زمستان.
- [۲۹] ادیسی، الف، شجاعی، م، 1391، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی ساکنین در تحقق طرح های توسعه شهری، نمونه موردی: پیاده راهسازی حوزه تاریخی شهر تهران منطقه 12.
- [30] Driskel, D., (2002), *Creating Better Cities With Chelderren and Youth (A manual for participation)*, unasco publishing and Earthscan publication itd.
- [۳۱] جمشیدزاده، الف، ۱۳۸۳، مدیریت محله و مشارکت مردمی با نگاهی به وظایف مدیریت شهری و ضرورت بهره گیری از ظرفیت شهروندان، نشریه راه مردم، تهران.
- [۳۲] حبیبی، م، سعیدی رضوانی، ه، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴.
- [۳۳] حاجتی، الف، ۱۳۹۱، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری: مطالعه موردی منطقه ۶ اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، احمد خادم الحسینی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، گروه جغرافیا.
- [34] Wang.Xiaojun and Zhenrong Yu, (2008), *Steve cinderdy, John Forrester*, vol. April, 28.